

شهید علی سلمانی کار



نام پدر	احمد
تاریخ تولد	۱۳۱۸/۰۱/۰۱
محل تولد	بوشهر - دشتی
تاریخ شهادت	۱۳۶۰/۰۹/۰۹
محل شهادت	بستان
مسئولیت	فرمانده گروهان
نوع عضویت	پاسدار
شغل	پاسدار
تحصیلات	دوره ابتدایی
مدفن	خور موج

زندگینامه

زندگینامه شهید

علی سلمانی کار فرزند احمد به سال ۱۳۱۸ در روستای شیخان در یک خانواده مستضعف ولی متدین و مذهبی چشم به جهان گشود. هر چند از نظر رسمی تحصیلاتی نداشت اما از عقیده و درک و شعور و تفکر اسلامی بسیار آگاه بود.

شهید مرتب به عکس شهدا نگاه می کرد و اشک می ریخت و می گفت من لایق نیستم مثل این شهیدان به درجه شهادت برسم. شهید یکسال قبل از شهادت به کربلا مشرف شد. و با تشکیل سپاه پاسداران، شهید جز اولین کسانی بود که به عضویت این ارگان انقلابی پذیرفته شد.

شهید در ابتدا به جزیره خارک اعزام شد و چند مدتی در آنجا خدمت کرد سپس به بوشهر منتقل گردید. مدتی نیز در کنگان به خدمت خود ادامه داد. در فروردین ۱۳۶۰ به جبهه آبادان و در منطقه فیاضیه اعزام و در حمله شکست محاصره آبادان شرکت کرد. در اوایل محرم سال ۶۰ به جبهه بستان رهسپار گردید و در عملیات آزاد سازی بستان شرکت جست و سرانجام در تاریخ ۹/۹/۱۳۶۰ هدف خمپاره های دشمن قرار گرفت و به شهادت رسید.

وصیت نامه

سلام و درود خدا بر پدر و مادرم که با خون دل مرا بزرگ کردند و این چنین تربیت نمودند تا آماده جهاد شوم – ای حقداران بزرگوار – اگر خداوند شهادت را نصیبم کرد ناراحت نباشید. زیرا من بعد از هر نماز از خداوند آرزوی شهادت کرده‌ام.

از همه اقوام و بستگان و حقداران و اقارب و خویشاوندان حلالیت می‌طلبم. امیدوارم پدر و مادرم به خاطر زحماتی که برای من کشیده‌اند مرا حلال کنند و هر کسی هر گونه حقی بر گردن من دارد مرا حلال کند. در پایان از همه امت شهید پرور که خودشان بهتر از من وظیفه شرعی و انقلابی خود را می‌دانند که رهبر انقلاب را تنها گذارند و هر کدامتان پیام آور و حافظ انقلاب باشند.

مصاحبه

مصاحبه با برادر شهید:

— از ویژگی‌های شهید بگویید:

به انجام فرایض بخصوص نماز اهمیت می‌داد و گاهی نماز شبش ترک نمی‌شد، در سرمای زمستان و بخصوص گرمای طاقت فرسای تابستان در امر کشاورزی با خانواده بسیار تلاش می‌کرد. و در تمام کارهای سنگین همیشه پیش‌گام بود.

س ۲— رفتار و کردار شهید در خانه و در بین اقوام چطور بود.

از ویژگی‌های برجسته شهید حفظ زبان بود— گاهی زبانش به ناسزا بلند نشد. همیشه فرزندان و خانواده را با نام و صدای خوش و ملایم صدا می‌کرد. به آنچه فرزندان و اقوام را نصیحت می‌کرد اول خودش انجام می‌داد.

مصاحبه با خواهر شهید:

— از ویژگی‌های شهید و ارتباطتان با ایشان بفرمایید:

برادر شهیدم از کودکی در خانواده با بقیه تفاوت داشت. از همان سال‌های اولیه کارها، سخن و اعمالش مطابق با موازین شرعی بود. به عهد و پیمانی که می‌بست وفادار بود. روی نماز به موقع حساسیت خاصی داشت.

— حضور شهید در جمع خانواده چگونه بود؟

بدون شک شهید باعث آرامش و اتصال خانواده بود. او مثل چراغ روشنی در شبهای ما بود. احترام خاصی برای پدر و مادرش قائل بود. همیشه مطیع آنها بود.

خاطرات

ویژگی های برجسته شهید:

شهید بسیار بذله گو و خوش سخن بود.
بسیار متقی و پرهیزکار بود و چشم طمع به مال کسی نداشت و اعتقاد داشت همیشه طلب روزی حلال کنید نه روزی زیاد و در حل مشکلاتش به قرآن و اهل بیت توسل می جست.
نسبت به تک تک اعضا خانواده مهربان و با حوصله بود و اگر مطلبی پیش می آمد با صبر و حوصله و مهربانی با خانواده برخورد می کرد.

همسفر با خاطرات شهید

زیارت امام خمینی(ره) نقل از خود شهید:

سال ۱۳۵۵ شهید سلمانی کار موفق شد به کربلای معلی و نجف اشرف مشرف شود. از خاطرات شیرینی که پس از بازگشت در آن سالها شهید نقل می کرد: اینکه در نجف خدمت امام خمینی رسید و تعدادی عکس و اعلامیه از حضرت امام جهت تبلیغ به ایران آورد و شهید می گفت: حضرت امام به بنده فرمودند: من از جوانان ایرانی انتظار همکاری دارم و امیدوارم مساعدت کنند تا رژیم را سرنگون کنیم، و همین ملاقات باعث ایثارگری شهید در صحنه های انقلاب شد.

شهید و نماز شب (نقل خاطره از همسر شهید)

زندگی و رفتار شهید همه اش خاطره بود. شهید در اکثر اوقات شبانه روز با وضو بود و از جمله مهمترین خاطره شهید در ذهن من مانده اینکه اکثر شبها که بلند می شدم، شهید مشغول نماز شب بود. هرگز خود رأی نبود به نظر ما و بچه ها اهمیت می داد.

شهید و روحیه بالای مقاومت در حالت مجروح بودن (نقل از همسر شهید)

در شب عملیات که شهید از قسمت پا مجروح شده بود، گفتم باید او را برای مداوا به پشت خط ببریم گفت شما زخمی های شدید را برای مداوا ببرید، من می مانم و تانک های دشمن را شکار می کنم. شهید آرپی جی زن بود.

با خاطرات شهید: (نقل از همسر شهید)

نام گذاری فرزند با نام مقدس حضرت زینب.

روزی که می خواست به جبهه برود، همه را سفارش به اطاعت از رهبری نمود. و گفت اگر شهید شدم فرزندم را زینب بگذارید. گفتم از کجا می دانی فرزندمان دختر باشد؟ گفت: چند شب پیش خودم خواب شهادت خودم را دیده ام، و در این مورد به من سفارش شده

شهید و نماز شب

شهید در اکثر مواقع شبانه روز با وضو بود. هر وقت نیمه شب بر می خاستم می دیدم همسر مشغول نماز شب است.

گاهی در خانه پر خاش نکرد و همه را با احترام صدا می زد. و به من می گفت: اگر شهید شدم! فرزندانمان را با عشق قرآن و اهل بیت تربیت کن.

دعا برای فیض شهادت: (نقل از برادر بازیاری هم‌رزم شهید)

من دونوبت با شهید سلمانی کار به جبهه رفتم، بار اول شکست حصر آبادان □ و بار دوم آزادسازی بستان. وقتی ساعت ۷ صبح از اهواز بصورت راهپیمایی به طرف جبهه بستان حرکت کردیم ساعت ۱۲ شب به آنجا رسیدیم. پشت سر دشمن قرار گرفتیم - دستور عملیات صادر شد. استراحت ما موقع نماز بود - دو تا از فرماندهان ما یکی شهید کامکاری روی مین رفت و شهید شد و حاج عباس نیری در همین رابطه پایش قطع شد و چون فرماندهی نداشتیم بنده خدا بسیار مقاومت کرد با همان حال صبح وارد بستان شد. شهید سلمانی کار زبان عربی می دانست با خانواده‌ای صحبت کرد گفتند ما عرب ایرانی هستیم، یکسال است در دست عراقی‌ها اسیریم. شهید سلمانی دعا کرد که خدایا زندگی بس است. شهید در سنگری چهار ساعت جنگید و به سختی مجروح شد. عراقی‌ها پاتک زدند □ و سلمانی کار در همانجا به شهادت رسید و جسد مطهر او در منطقه عملیاتی باقی ماند تا ۴۵ روز که رزمندگان اسلام پیروز شدند و جسد مطهرش به خور موج منتقل شد. می توانم ادعا کنم تا موقعی که من با او بودم، یک شب هم نماز شبش ترک نشد.



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران